

حکم فقهی تهیه غذا توسط بازماندگان میت در ایام تعزیت از دیدگاه فقه حنفی  
الحُكْمُ الفِقهِيُّ فِي صِنْعِ الطَّعَامِ يَصْنَعُهُ أَهْلُ المِيتِ فِي أَيَّامِ التَّعْزِيَةِ فِي ضَوْءِ الفِقهِ الحَنَفِيِّ  
The Juridical Ruling on Preparing Food by the Deceased's Family During the Days of  
Condolence in the Light of Hanafi Jurisprudence  
Hanefi Fıkhı Açısından Taziye Günlerinde Ölenin Yakınları Tarafından Yemek  
Hazırlanmasının Fıkhî Hükümü

ذکی الله ذکی<sup>۱</sup> جلیل احمد جلیل<sup>۲</sup>

### چکیده

این تحقیق به بررسی فقهی و مقاصدی حکم تهیه غذا توسط بازماندگان میت در ایام وفات از منظر فقه حنفی می‌پردازد. هدف اصلی تحقیق، تبیین جایگاه این سنت اجتماعی در چارچوب مقاصد شریعت و ارزیابی سازگاری آن با اصول رحمت، مواسات و رفع حرج است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها از منابع معتبر فقهی و حدیثی استخراج شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تهیه غذا توسط خانواده متوفی برای دیگران در فقه حنفی مکروه تحریمی است و در شرایطی ممکن است به حرمت برسد؛ زیرا این عمل موجب فشار مالی و اجتماعی بر بازماندگان می‌شود و با روح تسهیل و رفع مشقت در شریعت ناسازگار است. در مقابل، مستحب است که همسایگان و اقوام برای تسلی خاطر بازماندگان غذا فراهم کنند، چنان‌که سنت نبوی نیز بر آن تأکید دارد. نتیجه نهایی بیانگر آن است که التزام به آموزه‌های شریعت در برگزاری مراسم عزاداری، سبب احیای روح همدلی، جلوگیری از بدعت‌های اجتماعی، و حفظ مقاصد اخلاقی اسلام می‌شود.

کلمات کلیدی: اطعام اهل میت، عزاداری، فقه حنفی، مقاصد شریعت، مشقت مالی، مواسات و تسلیت.

DOI:

<https://doi.org/10.69892/diwan.2026.164>

مقاله تحقیقی / Research Article

تاریخ دریافت / Received Date

25.02.2025

تاریخ قبول / Accepted Date

19.10.2025

تاریخ نشر / Publication Date

01.01.2026

<sup>۱</sup> پوهندوی، دوکتور، دیپارتمنت فقه و قانون، پوهنځی شرعیات، پوهنتون تخار، تخار، افغانستان.

<sup>۲</sup> پوهنمل، دیپارتمنت قضاء و سیاست شرعی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون اسلامی بین المللی افغان، کابل، افغانستان.

ORCID

0009-0009-2076-4327

0009-0001-6282-8925

E-Mail

[zakiullahzaki2018@gmail.com](mailto:zakiullahzaki2018@gmail.com)

[Jalilahmadjalil786@gmail.com](mailto:Jalilahmadjalil786@gmail.com)

این مقاله توسط نرم افزار تورنیتین Turnitin بررسی شده Plagiarism یا سرقت ادبی ثبت نگردید.

This article has been scanned by Turnitin. No Plagiarism detected.



نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی / Citation :

ذکی الله ذکی - جلیل احمد جلیل، "حکم فقهی تهیه غذا توسط بازماندگان میت در ایام تعزیت از دیدگاه فقه حنفی"، مجله دیوان ۱/۷ (جدی ۱۴۰۴)، ۵۷-۸۴.  
Zakiullah Zaki-Jalilahmad Jalil, "The Juridical Ruling on Preparing Food by the Deceased's Family During the Days of Mourning in the Light of Hanafi Jurisprudence", *Diwan Journal* 7/1 (January 2026), 57-84.

## الملخص

يهدف هذا البحث إلى دراسة الحكم الفقهي المقاصدي لصنع الطعام من قبل أهل الميِّت في أيام العزاء، وفق منظور الفقه الحنفي. الهدف الرئيسي من الدراسة: هو بيان مكانة هذه العادة الاجتماعية في إطار مقاصد الشريعة، وقياس مدى توافقها مع مبادئ الرحمة والمواساة ورفع الحرج. وقد اعتمد البحث على المنهج الوصفي التحليلي، مستنداً إلى المصادر الفقهية والحديثية المعتمدة. وتُظهر النتائج أن صنع الطعام تصنعه أسرة الميِّت لمعززين يُعدّ مكروهاً تحريمياً في الفقه الحنفي، وقد يبلغ حدّ التحريم إذا أدى إلى مشقّة مالية أو اجتماعية على أهل الميِّت؛ لأنّ ذلك يتنافى مع روح التيسير ورفع المشقّة في الشريعة. وفي المقابل، يُستحبّ أن يُعدّ الجيران والأقارب الطعام لأهل الميِّت تسليّة لهم، كما ورد في السنّة النبويّة. وتتلخص الدراسة إلى أنّ الالتزام بتعاليم الشريعة في إقامة مراسم العزاء يُسهم في إحياء روح التعاطف، والحدّ من البدع الاجتماعية، وحفظ المقاصد الأخلاقية للإسلام.

**الكلمات المفتاحية:** إطعام أهل الميِّت، العزاء، الفقه الحنفي، مقاصد الشريعة، المشقّة المالية، المواساة والتعزية.

## Abstract

This research provides a jurisprudential and Maqāṣid-based analysis of the ruling on preparing food by the family of the deceased during the days of mourning from the perspective of Ḥanafī jurisprudence. The primary objective is to clarify the status of this social practice within the framework of the Maqāṣid al-Sharī‘ah and to evaluate its conformity with the principles of mercy, solidarity, and the removal of hardship. The study employs a descriptive-analytical method, drawing upon authentic jurisprudential and Hadith sources. The findings indicate that, according to Ḥanafī fiqh, preparing food by the bereaved family for others is considered makrūh taḥrīmī (prohibitively disliked) and may reach the level of prohibition if it imposes financial or social burdens on them. Conversely, it is recommended that neighbors and relatives prepare food for the bereaved as an act of consolation, in accordance with the Prophetic Sunnah. The study concludes that adherence to Sharī‘ah principles in mourning practices helps to cultivate genuine empathy, prevent social innovations (bid‘ah), and preserve the ethical and moral objectives of Islam.

**Keywords:** Feeding the Family of the Deceased, Mourning, Ḥanafī Jurisprudence, Objectives of Sharī‘ah (Maqāṣid al-Sharī‘ah), Financial Hardship, Sympathy and Condolence

## Özet

Bu araştırma, Hanefî fıkı perspektifinden, vefat günlerinde ölenin yakınları tarafından yemek hazırlanmasının hükmünü fikhî ve makasîd temelli olarak incelemektedir. Araştırmanın temel amacı, bu toplumsal geleneğin şeriatın maksatları çerçevesindeki yerini açıklamak ve onun rahmet, dayanışma ve sıkıntının giderilmesi ilkeleriyle ne ölçüde uyumlu olduğunu değerlendirmektir. Çalışma, tanımlayıcı-analitik bir yöntem kullanmakta ve güvenilir fıkıh ve hadis kaynaklarına dayanmaktadır. Bulgulara göre, merhumun ailesinin başkaları için yemek hazırlaması Hanefî fikhına göre mekruh tahrimen (harama yakın mekruh) olup, mali veya sosyal zorluklara yol açması durumunda haram derecesine ulaşabilir. Buna karşılık, komşuların ve akrabaların yaşlı aileye teselli amacıyla yemek hazırlamaları müstehaptır; bu durum sünnet-i nebevî ile de desteklenmiştir. Araştırmanın sonucu, taziye merasimlerinde şeriatın öğretilerine bağlı kalmanın, samimi dayanışma ruhunu canlandırdığını, toplumsal bid'atları önlediğini ve İslam'ın ahlaki hedeflerini koruduğunu ortaya koymaktadır.

**Anahtar Kelimeler:** Ölenin yakınlarına yemek ikramı, Yas tutma, Hanefî fıkı, Şeriatın maksatları, Mali sıkıntı, Teselli ve taziye.

## مقدمه

مراسم عزاداری در جوامع اسلامی همواره جایگاه ویژه داشته و به عنوان یکی از روش‌های اجتماعی مطرح بوده است. یکی از رسوم رایج در این مراسم، تهیه و توزیع غذا برای حاضران است که در برخی مناطق به یک وظیفه حتمی و عرفی تبدیل شده است. این در حالی است که از منظر شریعت اسلامی، احکام و توصیه‌های مختلفی درباره نحوه آماده سازی غذا توسط بازماندگان میت در روزهای نخست وفات وجود دارد. از این رو، بررسی فقهی و شرعی تهیه غذا در این مناسبت‌ها، به ویژه در تطابق یا تعارض با اصول شریعت اسلامی، ضروری است.

با گذر زمان و تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی، برگزاری مجالس عزاداری به خصوص تهیه غذا در آن مراسم از شکل ساده و معنوی خود فاصله گرفته و در برخی موارد، به مراسمی تجملاتی و پرهزینه بدل شده است. این تغییرات باعث شده تا برخی از خانواده‌ها تحت فشارهای اقتصادی قرار گیرند و به نوعی، برگزاری چنین مراسمی به یک تکلیف عرفی تبدیل شود. در این میان، برخی با استناد به نیت خیر و طلب ثواب برای متوفی، این کار را تداوم بخشیده‌اند، در حالی که گروهی دیگر آن را مورد نقد قرار داده و بر سادگی و رعایت اصول شرعی تأکید دارند. این پژوهش تلاش دارد تا با کشف دیدگاه فقهی از متون اسلامی مشروعیت و حدود این رسم را از منظر فقه اسلامی مورد بررسی قرار دهد.

ضرورت انجام این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که بسیاری از مسلمانان حتی از فقهاء، در مواجهه با مراسم عزاداری و رفتارهای مرتبط با آن، دچار نوعی سردرگمی فقهی هستند. از یک سو، احادیثی بر تسلی بخشی و همدردی با بازماندگان تأکید دارند و از سوی دیگر، برخی روایات و دیدگاه‌های فقهی، اسراف و هزینه‌های اضافی در این مناسبت‌ها را نهي می‌کنند. این مسأله، نیاز به پژوهشی دقیق و جامع را نشان می‌دهد تا بتواند با تحلیل دیدگاه‌های فقهی و بررسی نظرات موافقان و مخالفان، راهکاری متناسب با آموزه‌های اسلامی ارائه دهد.

پرسش اصلی تحقیق که محقق در پی پاسخ آن از متون فقهی می‌باشد عبارت است از: حکم فقهی تهیه غذا توسط بازماندگان میت در ایام وفات از دیدگاه فقه اسلامی چیست؟ در پاسخ به سؤال مطروحه به طور فرضی می‌توان گفت: به نظر می‌رسد تهیه غذا برای مهمانان در مراسم عزاداری از جانب خانواده متوفی مکروه و قبیح می‌باشد.

برخی تحقیق‌های فقهی به صورت پراکنده به این موضوع پرداخته‌اند؛ اما بررسی جامع و مستقل که پاسخگوی نیاز جامعه علمی و تقاضای مخاطبین این مسأله باشد، به نظر نمی‌رسد. بسیاری از متون فقهی بیشتر به مسأله کلی عزاداری و احکام مرتبط با آن در ذیل ابواب عمومی فقهی پرداخته‌اند، برای نمونه: محمد امین ابن عابدین رحمه الله در کتاب «رد المحتار علی الدر المختار»، در ابواب الجنائز به مسأله تعزیت و طعام اهل میت پرداخته و حکم کراهت آن را بیان

کرده است. هم‌چنین علامه ابن عابدین رحمه‌الله در «مجموعه رسائل ابن عابدین»، بعد از رساله نمبر (۲۱) تحت عنوان: «شفاء العلیل وبل العلیل فی حکم الوصیة بالختمات والتهالیل» نیز به این مسأله پرداخته.

در میان تحقیق‌های معاصر، می‌توان به رساله عادل مبارک المطیرات، «أحكام التعزیه دراسته فقهیه مقارنه»، اشاره کرد که به‌طور کلی به تعریف، حکم و حکمت تعزیت پرداخته و در بخشی نیز مسأله اطعام را بررسی کرده است.

از تحقیق اختصاصی در این زمینه، مقاله اسفندیاری، رضا و حاجی ابوالقاسم دوالبی، محمدجواد (۱۴۰۰ش/۲۰۲۱م)، با عنوان اطعام اقارب المتوفی للحداد؛ تحلیل مبانی و آراء علماء اهل سنت، در فصلنامه مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی است. این مقاله با تحلیل روایات اهل سنت، دیدگاه‌های فقهای مختلف را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که روایات معتبر، دلالت بر جواز اطعام عزاداران به دست بستگان میت دارد و حتی در برخی موارد، این عمل را مستحب شمرده‌اند. نویسندگان در این تحقیق نشان داده‌اند که استناد فقهای قائل به تحریم، بر احادیث ضعیف مبتنی بوده و در مقابل، دلایل قائلان به جواز یا استحباب، از پشتوانه روایی قوی‌تری برخوردار است.

با وجود این آثار، باید اذعان کرد که بیشتر تحقیق‌ها یا به‌صورت پراکنده به مسأله پرداخته‌اند و یا تنها به نقل اقوال بسنده کرده‌اند. در نتیجه، هنوز تحقیقی اختصاصی جامع که به بررسی ابعاد مختلف این رسم بپردازد، اندک است. تحقیق حاضر درصدد است تا با بهره‌گیری از متون قدیم فقهی و تحقیقات معاصر، ضمن بررسی دلایل موافقان و مخالفان، راهکاری متناسب با آموزه‌های اسلامی و شرایط اجتماعی امروز ارائه کند؛ اما تحلیل تفصیلی در این مورد، نیاز به بررسی عمیق‌تری دارد.

این تحقیق با روش، توصیفی-تحلیلی با استفاده از رویکرد کتاب‌خانه‌ای، دیدگاه‌های مختلف در این زمینه را بررسی می‌کند. ساختار تحقیق شامل مقدمه، سه بخش اصلی و نتیجه‌گیری خواهد بود. در بخش نخست، حکم تهیه غذا برای اهل میت از دیدگاه فقهاء تبیین می‌شود. در بخش دوم، حکم تهیه غذا از سوی اهل میت برای مردم مورد تحلیل قرار می‌گیرد و در بخش سوم، کراهت تهیه غذا توسط خانواده متوفی برای مردم بیان می‌شود. در پایان، با جمع‌بندی یافته‌ها، راهکارهای مناسب برای برگزاری مراسم عزاداری مطابق با تعالیم اسلامی ارائه خواهد شد.

## ۱. حکم تهیه غذا برای اهل میت از دیدگاه فقهای اهل سنت و الجماعة

تهیه غذا برای اهل میت، از سنت‌های پسندیده‌ای است که در فقه اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. علمای مذاهب چهارگانه، این عمل را مستحب دانسته‌اند و بر آن تأکید کرده‌اند؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: {اصْنَعُوا لِأَلِ جَعْفَرٍ طَعَامًا، فَإِنَّهُ قَدْ آتَاهُمْ أَمْرٌ سَخَّطَهُمْ}<sup>۱</sup> ترجمه: "برای اهل جعفر رضی الله عنه غذا تهیه کنید، زیرا برای آنها چیزی آمده که آنها را مشغول کرده است". در پرتو حدیث مذکور فقهای مذاهب اربعه، ناظر بر مشروعیت سنت همدردی با مصیبت دیده‌گان نظریات مختلفی دارند که در ذیل به صورت مفصل بدان‌ها پرداخته می‌شود.

فقهای مذهب حنفی رحمهم الله معتقدند که بر همسایگان و اقوام دورتر مستحب است که برای اهل میت غذایی فراهم کنند تا آنها در روز و شب خود سیر شوند.<sup>۲</sup> این عمل به دلیل اینکه موجب کمک و تسلی آنان می‌شود، نوعی نیکی و احسان به شمار می‌رود. همچنین تأکید شده که باید اهل میت را به خوردن غذا ترغیب کرد تا از ضعف جسمی آنها جلوگیری شود.<sup>۳</sup> علامه ابن الهمام رحمه الله می‌گوید: «ویستحب لجیران أهل المیت والأقرباء الأبعد تهیه طعام لهم یشبعهم یومهم ولیلتهم... ولأنه بر و معروف، ویلح علیهم فی الأکل؛ لأن الحزن یمنعهم من ذلك فیضعفون».<sup>۴</sup> ترجمه: "مستحب است که همسایگان اهل میت و اقوام دورتر برای آنها غذایی تهیه کنند که آنها را در روز و شب سیر کند... همچنین، این عمل از معروف و نیکی است و باید بر آنها در خوردن فشار آورده شود؛ زیرا غم و اندوه مانع از خوردن آنها می‌شود و ممکن است باعث ضعف آنها گردد".

فقهای مذهب مالکی رحمهم الله نیز ارسال غذا به اهل میت را در صورتی که برای نوحه‌سرای و امور غیر شرعی جمع نشده باشد، مستحب میدانند.<sup>۵</sup> ابن رشد مالکی رحمه الله این عمل را نیکو و مطلوب برشمرده و به حدیث جعفر رضی الله عنه استناد کرده است، چنانچه می‌گوید: «لأن إرسال الطعام إلى أهل المیت لاشتغالهم بمیتهم إذا لم یکنوا اجتمعوا لمناحة، من الفعل الحسن المرغب

<sup>۱</sup> ابو داود سلیمان بن اشعث (متوفی: ۲۵۷ ه.ق.)، سنن أبي داود، محقق: شعیب ارنووط (بی‌جا: دار الرسالة العالمية، چاپ دوم، ۱۴۳۰ ه.ق.)، "الجنائز"، ۳۰ (۳۱۳۲).

<sup>۲</sup> کمال الدین محمد بن عبد الواحد ابن همام، فتح القدير (مصر: مکتبه مصطفی حلبی، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه.ق.)، ۱۴۲/۲؛ محمد امین بن عمر ابن عابدین، رد المحتار (مصر: مکتبه مصطفی حلبی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ه.ق.)، ۲۴۰/۲.

<sup>۳</sup> علی بن سلطان محمد هروی (ملا علی قاری)، فتح باب العناية بشرح النقایة (بیروت: دار الأرقم، چاپ اول، ۱۴۳۲ ه.ق.)، ۴۵۹/۱؛ حسن بن عماره بن علی شرنبلالی، مراقی الفلاح (بی‌جا: مکتبه عصری، چاپ اول، ۱۴۲۵ ه.ق.)، ۲۲۸.

<sup>۴</sup> ابن همام، فتح القدير، ۱۴۲/۲.

<sup>۵</sup> محمد بن احمد ابن رشد، التحصیل والبیان (بیروت: دار الغرب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ه.ق.)، ۲۲۷/۲.

فیه المندوب إليه.<sup>۶</sup> ترجمه: «زیرا ارسال غذا برای اهل میت به دلیل مشغولیت آنها با میتشان، اگر آنها برای نوحه سرائی جمع نشده باشند، از اعمال پسندیده و مستحب است».<sup>۷</sup> قرافی و ابن حاج مالکی نیز بر همین نظر تأکید کرده‌اند و این اقدام را نوعی تقرب و احسان به اهل میت و همسایگان دانسته‌اند.

فقه‌های مذهب شافعی رحمهم الله نیز توصیه می‌کند که اقوام و همسایگان برای اهل میت غذا فراهم کنند. فقه‌های شافعی تصریح کرده‌اند که تهیه غذا برای بازماندگان در روز اول و شب آن مستحب است؛ اما تهیه غذا توسط خود خانواده میت و جمع کردن مردم برای صرف غذا، بدعت و غیر مستحب شمرده شده است.<sup>۸</sup>

مذهب حنبلی نیز همسو با دیگر مذاهب، تهیه غذا برای اهل میت را عمل مستحب دانسته و بر اساس حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم در این خصوص تأکید کرده است. ابن قدامه رحمه الله از فقه‌های حنبلی نیز بر همین نظر بوده و آن را امری پسندیده برشمرده است.<sup>۹</sup> در مجموع، مذاهب چهارگانه بر استحباب تهیه غذا برای اهل میت اتفاق نظر دارند. این حکم مبتنی بر حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم است که علت این امر را مشغولیت بازماندگان با مصیبت درگذشت عزیزشان دانسته‌اند. بنابراین، حکم به تبع علتش وجود و عدم می‌یابد؛ یعنی تا زمانی که بازماندگان به دلیل غم و اندوه قادر به تأمین غذای خود نیستند، تهیه غذا برای آنان مطلوب است.

## ۲. حکم تهیه غذا از سوی اهل میت برای مردم

در مورد تهیه غذا از سوی خانواده متوفی برای مردم، سه دیدگاه مطرح شده است.

### ۲.۱. نخست؛ جواز تهیه غذا از سوی بازماندگان متوفی

صاحبان این دیدگاه برای جواز این عمل، به حدیثی که از عاصم بن کلیب رضی الله عنه در «مشکات مصابیح»، به نقل از «سنن ابی داود و دلائل النبوة» ذکر گردیده، کلام علامه حلبی و

<sup>۶</sup> شهاب الدین احمد بن ادریس قرافی، اللخیره (بیروت: دار الغرب اسلامی، چاپ اول، ۱۹۹۴م، ۴۸۱/۲؛ محمد بن یوسف مواق، (۸۹۷ ه.ق) التاج والإکلیل (بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه.ق) ۳۷/۳؛ ابن حاج، محمد بن محمد، المدخل (بیروت: دار التراث العربی، بی تا)، ۲۷۵/۳.

<sup>۷</sup> ابن رشد، التحصیل والبیان، ۲۲۷/۲.

<sup>۸</sup> ابو اسحاق ابراهیم بن علی بن یوسف شیرازی، المهدب فی فقه الإمام الشافعی (بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا)، ۲۵۹/۱؛ یحیی بن ابی الخیر بن سالم عمرانی، البیان فی مذهب الإمام الشافعی (جده: دار منہاج، چاپ اول، ۱۴۲۱ ه.ق)، ۱۲۶/۳.

<sup>۹</sup> موفق الدین عبد الله بن احمد ابن قدامه، الکافی فی فقه الإمام أحمد (بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق)، ۳۷۶/۱.

عبارت «مرفاة المفاتیح شرح مشکات المصابیح» استدلال کرده‌اند که در ذیل به آن پرداخته می‌شود:

## ۲. ۱. ۱. استدلال از حدیث عاصم بن کلب رضی الله عنه

در «مشکاة المصابیح» حدیث به این صورت نقل شده است: {عن عاصم بن کلب رضی الله عنه عن أبيه عن رجلٍ من الأنصارِ قال: خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي جَنَازَةٍ فَرَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ عَلَى الْقَبْرِ يُوصِي الحَافِرَ: «أَوْسَعُ مِنْ قَبْلِ رَجُلِيهِ، أَوْسَعُ مِنْ قَبْلِ رَأْسِهِ»، فَلَمَّا رَجَعَ اسْتَقْبَلَهُ دَاعِي امْرَأَتِهِ، فَجَاءَ وَجِيءًا بِالطَّعَامِ...}.<sup>۱۰</sup> ترجمه: عاصم بن کلب رضی الله عنه از پدرش و او از مردی از انصار روایت می‌کند که گفت: همراه رسول خدا صلی الله علیه و سلم در تشییع جنازه‌ای بیرون رفتیم. رسول خدا صلی الله علیه و سلم کنار قبر به قبرکن سفارش می‌کرد: «از سمت پاها وسیع‌تر کن، از سمت سر وسیع‌تر کن». وقتی برگشتیم، فرستاده همسر متوفی به استقبال آمد و ایشان را به غذا دعوت کرد...

در کتاب «مشکاة المصابیح»، مأخذ حدیث از سنن ابی داود و دلائل النبوة ذکر شده است؛ اما در واقع در هیچ‌یک از این دو منبع، متن حدیث به این صورت که صاحب مشکاة نقل کرده - و از آن مسأله‌ی دعوت به غذا از سوی خانواده‌ی متوفی برداشت شود - وجود ندارد.

در «دلائل النبوة» به این لفظ آمده است: «فَلَمَّا رَجَعَ اسْتَقْبَلَهُ دَاعِي امْرَأَةٍ فَجَاءَ وَجِيءًا بِالطَّعَامِ»<sup>۱۱</sup> ترجمه: «چون بازگشت، دعوت‌کننده زنی به استقبالش آمد؛ پس نزد او رفت و غذا آورده شد». مأخذ دوم «مشکات سنن ابوداود» است که در (باب في اجتناب الشبهات)<sup>۱۲</sup> این حدیث به جای لفظ «امراته» که در مشکات آمده، لفظ «امراة» به معنی زنی، ذکر شده است.

در این منابع، لفظ «امراة» آمده است، یعنی «هنگامی که برگشت، فرستاده زنی به استقبال او آمد...» که بر دعوت عمومی دلالت دارد، ارتباط خاصی با خانواده متوفی ندارد.

دو تن از علمای برجسته هند بر کتاب سنن ابی داود شرح‌هایی نوشته‌اند: یکی کتاب «عون المعبود شرح ابی داود» اثر مولانا شمس الحق عظیم آبادی، از علمای بزرگ اهل حدیث و دیگری کتاب «بذل المجهود شرح ابی داود» تألیف مولانا خلیل احمد سهارنپوری رحمه الله.

این دو دانشمند بزرگ، هنگام نقل حدیث مورد بحث، در آثار خود واژه «امراة» را به کار برده‌اند، نه «امراته» چنان‌که در کتاب «مشکاة المصابیح» آمده است.

<sup>۱۰</sup> محمد بن عبد الله خطیب تبریزی، مشکاة المصابیح (بیروت: مکتبه اسلامی، چاپ سوم، ۱۹۸۵ م)، ۱۶۷۱/۳.

<sup>۱۱</sup> أبو بکر بن حسین بیهقی، دلائل النبوة (بی‌جا: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ.ق)، ۳۱۰/۶.

<sup>۱۲</sup> ابو داود، سنن أبی داود، "البیوع"، ۳، ۲۴۴/۳ (۳۳۳۲)؛ أبو بکر احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری (بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ سوم، ۱۴۲۴ هـ.ق)، ۵۴۷/۵، «باب کراهیة میایعة من أكثر ماله من الربا أو ثمن المحرم» (۱۰۸۲۵).

در عون المعبود چنین آمده است: «قوله: (داعی امرأة) کذا في النسخ الحاضرة، وفي المشكاة (داعی امرأته) بالإضافة إلى الضمير، قال القاري: أي زوجة المتوفى». <sup>۱۳</sup> ترجمه: در عبارت «قاصدی زنی»، چنانکه در نسخه‌های حاضر چنین است، و در مشکاة «قاصد زنش» به ضمیر نسبت داده شده است. ملا علی قاری رحمه الله می‌گوید: «یعنی همسر متوفی».

و در «بذل المجهود» آمده است: «استقبله داعی امرأة، هكذا في جميع نسخ أبي داود الموجودة عندي من المكتوبة والمطبوعة وفي نسخة "مشكاة المصابيح": "داعی امرأته"، وفي "شرح القاري": "أي زوجة المتوفى". فعلى نسخة "المشكاة" و"شرحه" إشكال من جهة أن فقهاءنا صرحوا بأنه لا تحل الضیافة من أهل الميت؛ لأنها شرعت في السرور لا في الشرور، وقبول الضیافة من رسول الله صلى الله عليه وسلم يدل على جوازها، فيمكن أن يجاب عنها لو كان ما في نسخة "المصابيح" صحيحاً؛ أن هذه القصة وقعت قبل النهي عنها، ويمكن أن يحمل على بيان الجواز، فإنها من أهل الميت ليست بمحرمة بل مكروهة، فلعله فعله رسول الله صلى الله عليه وسلم لبيان الجواز». <sup>۱۴</sup> ترجمه: «در برابر او زنی دعوت‌کننده ظاهر شد؛ چنین عبارتی در تمام نسخه‌های مکتوب و چاپی سنن ابی داود که نزد من موجود است، آمده است. اما در نسخه‌ی مشکاة المصابیح عبارت «داعی امرأته» (دعوت‌کننده‌ی همسر او) ذکر شده است، و در شرح قاری آمده است: «یعنی همسر متوفی». بر اساس نسخه مشکاة و شرح آن، اشکالی پیش می‌آید، زیرا فقهای ما تصریح کرده‌اند که پذیرایی (ضیافت) از سوی خانواده‌ی متوفی جایز نیست؛ چرا که ضیافت در شرع برای ابراز شادی مقرر شده، نه در موقع اندوه و مصیبت. در حالی که پذیرش دعوت از سوی پیامبر خدا صلى الله عليه وسلم دلالت بر جواز آن دارد. از این رو، اگر آنچه در نسخه‌ی مصابیح آمده صحیح باشد، می‌توان چنین پاسخ داد که این واقعه پیش از نهی از چنین ضیافتی رخ داده است. همچنین ممکن است گفته شود که این کار برای بیان جواز آن بوده است، زیرا ضیافت از سوی خانواده‌ی متوفی ذاتاً حرام نیست، بلکه مکروه شمرده می‌شود؛ و شاید پیامبر صلى الله عليه وسلم آن را انجام داد تا نشان دهد که اصل آن، جایز است».

جناب مولانا کریم بخش لاهوری در رساله «احسن المقالات» می‌فرماید: «این حدیث را علامه سیوطی رحمه الله در «الخصائص الكبرى» <sup>۱۵</sup> به نقل از بیهقی نقل کرده است، و در آن لفظ «امرأة» آمده است».

<sup>۱۳</sup> شرف الحق محمد اشرف بن امیر بن علی بن حیدر عظیم آبادی، عون المعبود شرح سنن ابی داود (بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۱۵ هـ.ق)، ۱۲۹/۹.

<sup>۱۴</sup> خلیل احمد سهارنفوری، بذل المجهود فی حل سنن ابی داود (هند: مرکز شیخ ندوی، چاپ اول، ۱۴۲۷ هـ.ق)، ۱۶/۱۱.

<sup>۱۵</sup> عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی، الخصائص الكبرى (بیروت: دار الکتب العلمیة، بی‌ط، بی‌تا)، ۱۷۶/۲.

و همان‌گونه که پیش‌تر یاد شد، در نقل این حدیث از کتاب «دلایل النبوة بیهقی» نیز واژه‌ی «امراً» به کار رفته است، نه «امراًت».

بنابراین حدیث دلالتی بر جواز تهیه غذا از سوی خانواده متوفی ندارد، بلکه تنها نشان‌دهنده دعوت عمومی از سوی زنی ناشناس است.

## ۲.۱.۲. بررسی سایر منابع حدیث

این حدیث تنها در سنن ابی داود و دلایل النبوة نیامده، بلکه در منابع معتبر دیگری از حدیث نیز ذکر شده است، و در تمامی آن‌ها واژه‌ی «امراً» (زنی) آمده است، نه «امراًت» (همسر او). این نکته از نظر دلالت فقهی و فهم حدیث بسیار مهم است، زیرا نشان می‌دهد دعوت‌کننده به غذا زنی از قریش بوده، نه همسر متوفی. در ادامه، مهم‌ترین منابعی که این روایت را نقل کرده‌اند، به ترتیب آورده می‌شود:

### الف: مسند امام احمد بن حنبل

امام احمد رحمه الله این حدیث را چنین نقل می‌کند: {دَاعِيَ امْرَأَةٍ مِنْ قُرَيْشٍ} <sup>۱۶</sup> ترجمه: «پیام‌رسان زنی از قریش آمد که پیامبر صلی الله علیه وسلم را برای غذا دعوت کرد». در ادامه همان روایت، خود آن زن می‌گوید: {إِنَّهُ كَانَ فِي نَفْسِي أَنْ أَجْمَعَكَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى طَعَامٍ}. <sup>۱۷</sup> ترجمه: «همواره در دلم بود که شما و همراهانتان را بر سفره‌ای از غذا گرد آورم».

این تعبیر به روشنی نشان می‌دهد که زن مذکور خود میزبان و دعوت‌کننده مستقل بوده است، نه همسر کسی که تازه درگذشته است.

### ب: شرح معانی الآثار اثر امام طحاوی رحمه الله

در شرح معانی الآثار امام طحاوی رحمه الله روایتی از عاصم بن کلیب رضی الله عنه نقل شده است: {فَلَقِيَهُ رَسُولُ امْرَأَةٍ مِنْ قُرَيْشٍ يَدْعُوهُ إِلَى طَعَامٍ}. <sup>۱۸</sup> ترجمه: پیام‌رسان زنی از قریش آمد و پیامبر صلی الله علیه وسلم را به غذا دعوت کرد. در ادامه روایت آمده است که آن زن گفت: {لَمْ تَزَلْ تُعْجِبُنِي أَنْ تَأْكُلَ فِي بَيْتِي} <sup>۱۹</sup> ترجمه: همیشه آرزو داشتم که شما در خانه‌ام غذا بخورید. این گفتار نیز تأیید می‌کند که زن، زنی از قریش و صاحب‌خانه بوده، نه همسر کسی که وفات یافته است.

<sup>۱۶</sup> احمد بن حنبل، مسند أحمد، ۱۸۵/۳۷ (۲۲۵۰۹).

<sup>۱۷</sup> احمد بن حنبل، مسند أحمد، ۱۸۵/۳۷ (۲۲۵۰۹).

<sup>۱۸</sup> أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة مصري حنفي طحاوی، شرح معانی الآثار (بيروت: عالم الكتب، چاپ اول، ۱۴۱۴هـ.ق)، ۲۰۸/۴.

<sup>۱۹</sup> طحاوی، شرح معانی الآثار، ۲۰۸/۴.

### ج: سنن دار قطنی

همچنین در سنن دارقطنی این حدیث از دو طریق مختلف روایت شده و در هر دو تعبیر «امرأة من قریش»<sup>۲۰</sup> آمده است؛ که این امر دلالت دارد بر اینکه این زن ارتباطی با متوفی نداشته و حدیث، هیچ اشاره‌ای به دعوت از سوی خانواده‌ی متوفی ندارد.

### د: سنن کبری بیهقی

امام بیهقی رحمه‌الله در سنن کبری نیز این روایت را با لفظ «امرأة»<sup>۲۱</sup> آورده است، که باز هم تأکید می‌کند دعوت‌کننده زنی از قریش بوده است.

### ه: جامع الأصول اثر ابن الأثیر

علامه ابن الأثیر در جامع الأصول چنین نقل کرده است: «فلما رجع استقبله داعي امرأة، فأجاب ونحن معه، فجيء بالطعام»<sup>۲۲</sup>. ترجمه: چون پیامبر بازگشت، دعوت‌کننده‌ی زنی به استقبالش آمد؛ ایشان دعوت را پذیرفت و ما نیز همراه او بودیم، سپس غذا آورده شد.

با بررسی دقیق این منابع روشن می‌شود که در تمامی نقل‌های معتبر و مورد اعتماد، واژه‌ی «امرأة» به کار رفته است، نه «امراته». این تفاوت لفظی، تفاوت در معنا و دلالت ایجاد می‌کند؛ زیرا: اگر لفظ «امراته» (همسر او) باشد، معنای روایت آن است که همسر متوفی پیامبر را دعوت کرده، و در نتیجه می‌توانست برخی از فقهاء از آن جواز برگزاری ضیافت از سوی خانواده‌ی متوفی را برداشت کنند.

اما در نسخه‌های معتبر که لفظ «امرأة» آمده، دعوت‌کننده زنی از قریش است، نه همسر متوفی؛ بنابراین استناد به این روایت برای جواز اطعام از سوی خانواده‌ی متوفی نادرست است.

از این رو، نتیجه می‌گیریم که برداشت برخی نویسندگان از روایت مشکاة المصابیح، که بر پایه‌ی آن فتوا به جواز برگزاری سفره‌های رنگین پس از وفات داده‌اند، ناشی از غفلت نسبت به الفاظ اصلی حدیث در منابع معتبر است.

این بررسی نشان می‌دهد که نقل مشکاة در لفظ «امراته» ظاهراً خطای نسخه‌برداری یا اشتباه ناقل بوده، و صورت صحیح آن در تمام کتب حدیثی معتبر، «امرأة» است.

<sup>۲۰</sup> علی بن عمر دار قطنی، سنن دار قطنی (بیروت: موسسه رسالت، چاپ اول، ۱۴۲۴ه.ق)، ۵۱۴/۵.

<sup>۲۱</sup> بیهقی، السنن الکبری، ۵۳/۱۲.

<sup>۲۲</sup> مجد الدین أبو السعادات المبارک بن محمد ابن الأثیر، جامع الأصول فی أحادیث الرسول (ناشر: مکتبه الحلوانی، چاپ اول، ۱۳۹۲ه.ق)، ۳۲۸/۱۱.

## ۲. ۱. ۳. استدلال به کلام علامه ابراهیم حلبی رحمه الله

در مباحث پیشین روشن شد که در حدیث «عاصم بن کلب رضی الله عنه» لفظ صحیح و اصیل، «امراً» است نه «امراًته». در این بخش به بررسی استدلال به کلام علامه ابراهیم حلبی (م ۹۵۶هـ) می‌پردازیم:

### الف: نقل کلام علامه ابراهیم حلبی و بررسی آن

علامه حلبی رحمه الله در «غنیة المتملی» می‌نویسد: «ویکره اتخاذ ضیافة من أهل المیت لأنه شرع فی السرور لا فی الحزن، قالوا وهي بدعة مستقبحة، لما روي الإمام أحمد وابن ماجه بسند صحیح عن جریر بن عبد الله قال: کنا نعد الاجتماع إلى أهل المیت وصنعهم الطعام من النیاحة.»<sup>۲۳</sup> ترجمه: «آماده کردن طعام از سوی خانواده متوفی به نیت مهمانی مکروه است، زیرا ضیافت در شادمانی مشروع است نه در اندوه. فقهاء گفته‌اند: این کار بدعتی زشت است، چرا که امام احمد و ابن ماجه به سند صحیح از جریر بن عبد الله روایت کرده‌اند که گفت: ما (اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم) گرد آمدن نزد خانواده متوفی و تهیهی طعام از سوی آنان را از مظاهر نوحه‌گری می‌شمردیم.»

علامه حلبی رحمه الله پس از آن می‌افزاید: «ولا یخلو عن نظر، لأنه لا دلیل علی الکراهة إلا حدیث جریر بن عبد الله المتقدم، وإنما یدل علی کراهة ذلك عند الموت فقط، علی أنه عارضه ما رواه الإمام أحمد بسند صحیح وأبو داود عن عاصم بن کلب عن أبيه عن رجل من الأنصار قال: خرجنا الخ...»<sup>۲۴</sup> ترجمه: «و این سخن از تأمل خالی نیست، زیرا هیچ دلیلی بر کراهت وجود ندارد مگر حدیث جریر بن عبد الله که پیش تر ذکر شد، و آن حدیث تنها بر کراهت این عمل در هنگام مرگ دلالت دارد. افزون بر این، آن حدیث با روایتی که امام احمد با سند صحیح و نیز ابو داود از عاصم بن کلب از پدرش از مردی از انصار نقل کرده‌اند، معارض است. آن مرد انصاری گفت: ما خارج شدیم و...»

در این جا وی روایت ابو داود را ذکر می‌کند، ولی به جای لفظ صحیح «امراً» (زنی از انصار)، واژه‌ی «امراًته» (همسر مرد متوفی) را می‌آورد، و سپس نتیجه می‌گیرد: «فهذا یدل علی إباحة صنع أهل المیت الطعام والدعوة إليه.»<sup>۲۵</sup> ترجمه: «این روایت دلالت دارد بر جواز آن که خانواده‌ی متوفی طعامی تهیه کرده و مردم را بدان دعوت نمایند.»

<sup>۲۳</sup> ابراهیم بن محمد بن ابراهیم حلبی، غنیة المتملی فی شرح منیة المصلي المعروف بـ حلبی کبیر (ناشر: الجامعة الإسلامية: دار العلوم دیوبند، ۱۴۴۲هـ.ق)، ۱۹۳/۳-۱۹۴.

<sup>۲۴</sup> حلبی، غنیة المتملی، ۱۹۴/۳.

<sup>۲۵</sup> حلبی، غنیة المتملی، ۱۹۴/۳.

بدین ترتیب، نقل لفظ حدیث («امرأته» به جای «امرأة») موجب تغییر جهت حکم از «کراهت» به «اباحه» گردیده است، در حالی که محدثان و فقهای متقدم، روایت را با لفظ «امرأة» آورده‌اند و دلالتی بر جواز اطعام از سوی خانواده متوفی ندارد.

همان‌گونه که گذشت، علامه ابراهیم حلبی رحمه‌الله در «شرح منیة المصلی» پس از ذکر کراهت اطعام از سوی خانواده‌ی متوفی به استناد حدیث جریر بن عبدالله رضی‌الله‌عنه، در ادامه با نقل روایت عاصم بن کلب، به دلیل تعارض ظاهری میان دو روایت، به اباحه‌ی این عمل تمایل نشان داده است. مبنای این اباحه در واقع بر نقل خاص ایشان از حدیث عاصم بن کلب رضی‌الله‌عنه است، آن‌جا که به جای لفظ «امرأة» (زنی از انصار)، واژه‌ی «امرأته» (همسر متوفی) را ذکر می‌کند، و بدین ترتیب نتیجه می‌گیرد که خانواده‌ی متوفی می‌توانند برای مردم طعام آماده کنند و آنان را به آن دعوت نمایند؛ اما همان‌گونه که در مباحث پیشین تبیین شد، ضبط صحیح و مورد اعتماد محدثان متقدم در روایت عاصم بن کلب، همان لفظ «امرأة» است نه «امرأته»، و بر این اساس، دلالتی بر جواز اطعام از سوی خانواده‌ی متوفی ندارد. این نکته، اساس استدلال علامه حلبی را سست می‌کند، زیرا تغییر اندک در لفظ حدیث موجب تغییر در معنای فقهی و در نتیجه در حکم شرعی شده است.

ابن عابدین شامی رحمه‌الله در «رد المحتار علی الدر المختار» ضمن بررسی همین استدلال، پاسخ دقیقی ارائه می‌کند. وی تصریح دارد که روایت مذکور از عاصم بن کلب؛ حتی بر فرض صحت ضبط مورد نظر حلبی، بیانگر «واقع‌ی خاص» است، نه یک قاعده‌ی کلی یا حکم عام.<sup>۲۶</sup> بنابراین، نمی‌توان از آن، اباحه‌ی مطلق اطعام از سوی خانواده‌ی متوفی را نتیجه گرفت. در مقابل، حدیث جریر بن عبدالله رضی‌الله‌عنه دارای دلالت عام است و از نظر دلایل و عمل فقهای مذاهب، معیار اصلی در این مسأله به شمار می‌رود.

بر اساس تصریح ابن عابدین رحمه‌الله، در فقه حنفی و نیز نزد فقهای شافعی و حنبلی، سنت این است که همسایگان و خویشاوندان دور برای خانواده‌ی مصیبت‌دیده غذا فراهم کنند، تا آنان از زحمت پخت‌وپز در ایام اندوه آسوده باشند. در مقابل، مکروه است که خود اهل میت برای دیگران غذا آماده سازند؛ زیرا ضیافت و مهمانی از جمله احکامی است که در موقعیت شادی تشریح شده، نه در زمان حزن و اندوه؛ از این رو فقهاء آن را بدعتی نکوهیده دانسته‌اند.<sup>۲۷</sup>

ابن عابدین رحمه‌الله در ادامه افزوده است که اگر این گونه اطعام‌ها با انگیزه‌هایی چون ریا، تفاخر، یا به صورت مراسمی همراه با منکرات و مظاهر نامشروع برگزار شود؛ مانند روشن کردن

<sup>۲۶</sup> ابن عابدین، رد المحتار (بیروت: دار الکفر، چاپ دوم، ۱۳۸۶هـ.ق)، ۲/۲۴۰.

<sup>۲۷</sup> ابن عابدین، رد المحتار، ۲/۲۴۰.

چراغ‌ها و قنادیل به سبک جشن‌ها، نواختن طبل و موسیقی، آوازخوانی، یا اجتماع‌های مختلط از زنان و مردان، در این صورت، حکم از «کراهت» فراتر رفته و به «حرمت» و «بطلان وصیت» در صورت توصیه به چنین مراسمی می‌انجامد؛ چرا که هر عملی که سبب ارتکاب منکر و بدعت گردد، شرعاً ممنوع و باطل است.

در نتیجه، از نظر استدلال فقهی، آنچه علامه حلبی رحمه‌الله به‌عنوان معارض حدیث جریر رضی‌الله‌عنه مطرح کرده، در حقیقت بر مبنای نقل ناصحیح لفظ حدیث استوار است و نمی‌تواند دلالت روشنی بر جواز اطعام از سوی اهل میت داشته باشد. از سوی دیگر، مبنای ابن‌عابدین شامی رحمه‌الله متکی بر قواعد اصولی و استدلالی صحیح‌تر است؛ بدین معنا که حکم کراهت، بر پایه‌ی حدیث جریر رضی‌الله‌عنه و تأیید عمل سلف، به‌عنوان قاعده‌ی عام پذیرفته می‌شود و تنها در صورتی از آن عدول می‌گردد که دلیل خاصی با شرایط مشابه در دست باشد، که در این مسأله وجود ندارد.

بنابراین، از دیدگاه فقهای معتبر متأخر، از جمله ابن‌عابدین شامی رحمه‌الله، اطعام از سوی خانواده‌ی متوفی نه‌تنها از نظر اصل، عملی مکروه و بی‌وجه است، بلکه اگر مشتمل بر مظاهر بدعت و منکر باشد، انجام آن حرام و وصیت بدان نیز باطل خواهد بود.

#### ۲.۱.۴. استدلال به کلام ملاعلی قاری رحمه‌الله

برخی افراد به استناد عبارت ملا علی قاری رحمه‌الله در کتاب «مرقاة شرح المشکاة» مدعی جواز اطعام اهل میت شده‌اند. برای رفع شبهه، نخست عین عبارت مرقاة ذکر می‌گردد، سپس با استناد به تحقیق متأخر ملا علی قاری رحمه‌الله در «شرح النقایة» تحلیل می‌شود.

ملا علی قاری می‌نویسد: «هذا ظاهر الحديث يرد على ما قرره أصحابنا كما في البزازیة... وقال ابن‌الهمام: يكره اتخاذ الضیافة من أهل الميت، والکل علوه بأنه شرع في السرور لا في الشور، قال: وهي بدعة مستقبحة، روی الإمام أحمد وابن حبان یاسناد صحیح عن جریر بن عبد الله قال: کنا نعد الاجتماع إلى أهل الميت وصنعهم الطعام من النیاحة».<sup>۲۸</sup> ترجمه: «ظاهر این حدیث دلالت می‌کند بر آنچه علمای ما در «البزازیة» آورده‌اند که تهیه‌ی طعام در روز نخست، سوم یا پس از هفته، مکروه است؛ و ابن‌همام گفته است: برپایی ضیافت از سوی اهل میت مکروه است، زیرا ضیافت در شادی تشریح شده نه در اندوه، و این بدعتی زشت است. امام احمد و ابن‌ماجه به سند صحیح از جریر بن عبدالله روایت کرده‌اند که گفت: ماگرد آمدن در خانه متوفی و تهیه‌ی طعام را از نشانه‌های نوحه می‌شمردیم».

<sup>۲۸</sup> علی قاری، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ۳۸۳۲/۹.

وی در ادامه می‌نویسد: «فینبغي أن يقيد كلامهم بنوع خاص من اجتماع يوجب استحياء أهل بيت الميت فيطعمونهم كرهاً، أو يحمل على كون بعض الورثة صغيراً أو غائباً...» ترجمه: «پس مناسب است که کلام فقهاء مقید شود به نوع خاصی از اجتماع که موجب شرمندگی اهل میت گردد و آنان را ناچار به اطعام کند، یا در حالتی که در میان ورثه کودک نابالغ یا غایب وجود دارد، یا طعام از مال میت تهیه شده باشد».

ملا علی قاری رحمه‌الله نتیجه می‌گیرد که چنین اطعامی مکروه است، مگر آن‌که برای فقراء باشد که در آن صورت «حسن» است.

از مجموع سخن او به هیچ وجه استفاده‌ی اباحه‌ی اطعام‌های متعارف امروزی (نظیر «اول شام» و مراسم مشابه) نمی‌شود. بلکه: او فقط موردی خاص را از مکروه استثنا کرده است (اطعام فقراء). اگر ملا علی قاری در زمان نگارش «مرقاة» به لفظ صحیح حدیث («امرأة» نه «امراته») توجه می‌داشت، نیازی به این تقییدها نمی‌دید. شاهد این مدعا، سخن او در «شرح النقایة» است که این موضوع را به‌طور مطلق مکروه دانسته است.

در باب «الجنائر» از شرح نقایه می‌نویسد: «ویکره اتخاذ الضیافة من أهل الميت؛ لأنه شرع فی السرور لا فی ضده و هی بدعة مستقبحة... ویستحب للأقارب والجيران تهیئة طعام لهم یشبعهم یومهم ولیلهم لقوله صلی الله علیه وسلم: «اصنعوا لآل جعفر طعاماً فقد جاءهم ما یشغلهم».<sup>۲۹</sup> ترجمه: «برپایی ضیافت از سوی اهل میت مکروه است، زیرا مشروع در شادی است نه در اندوه، و این بدعتی زشت است. مستحب است که خویشاوندان و همسایگان برای اهل میت طعامی فراهم کنند تا یک شبانه‌روز آنان را کفایت کند، چنان‌که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: برای آل جعفر غذا آماده کنید که آنان را اندوهی فراگرفته است.»

این تصریح متأخر، نشان می‌دهد که ملا علی قاری رحمه‌الله پس از تألیف «مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح»، نظر خویش را با استناد به حدیث صحیح و اقوال فقهاء بر کراهت مطلق اطعام اهل میت استوار ساخته است.

بنابراین بر پایه‌ی روایات صحیح و اقوال فقهای حنفی از جمله ابن همام، ابن عابدین و ملا علی قاری و دیگران رحمه‌الله: اطعام از سوی اهل میت مکروه یا بدعت مستقبحة است؛ اطعام از سوی همسایگان و اقربا مستحب است؛ و هرگونه مراسم اطعام با انگیزه‌های ریا، عادت اجتماعی یا هزینه از مال ورثه‌ی نابالغ، حرام و مردود است.

<sup>۲۹</sup> علی قاری، فتح باب العنایة بشرح النقایة، ۴۵۹/۱.

### ۳. کراهت تهیه غذا توسط خانواده متوفی

دیدگاه غالب فقهای مذاهب چهارگانه (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی رحمهم الله) بر این است که تهیه طعام از سوی خانواده متوفی برای پذیرایی از مردم، مکروه است.<sup>۳۰</sup> دلیل این حکم، ایجاد فشار مضاعف بر خانواده عزادار، شباهت به رسوم جاهلیت و انحراف از مقصود اصلی شریعت است، اما برخی از علما از جمله: ابن قدامه حنبلی رحمه الله<sup>۳۱</sup> سید سابق رحمه الله در فقه السنة<sup>۳۲</sup> به نقل از ابن قدامه رحمه الله در شرایط خاص مانند ضرورت، این کراهت را استثنا کرده اند.

علامه ابن همام رحمه الله می گوید: «ویکره اتخاذ الضیافة من الطعام من أهل الميت لأنه شرع في السرور لا في الشرور، وهي بدعة مستقبحة.»<sup>۳۳</sup> ترجمه: «مکروه است که از غذای اهل میت پذیرایی شود؛ زیرا ضیافت برای شادی مشروع شده است، نه غم و اندوه، و این کار بدعتی ناپسند است.»

ابن قدامه رحمه الله در «المغنی» نیز اشاره می کند: «فأما صنع أهل الميت طعاما للناس، فمکروه؛ لأن فيه زیادة علی مصیبتهم، وشغلا لهم إلى شغلهم، وتشبهها بصنع أهل الجاهلیة.»<sup>۳۴</sup> ترجمه: «تهیه غذا توسط خانواده میت برای مردم مکروه است؛ زیرا باعث تشدید مصیبت و مشغول شدن آن‌ها به کار اضافی می شود و شبیه به رسوم دوران جاهلیت است.»

علامه ابن عابدین شامی رحمه الله می گوید: «ویکره اتخاذ الطعام في اليوم الأول والثالث وبعد الأسبوع ونقل الطعام إلى القبر في المواسم.»<sup>۳۵</sup> مکروه است که در روز اول، سوم، یا پس از هفته از وفات، غذا تهیه شود و یا غذا به قبر منتقل شود.

همچنین در الفقه المنهجي علی مذهب الإمام الشافعي آمده است: «ومن البدع ما یفعله أهل الميت من جمع الناس علی الطعام بمناسبة ما یسمونه بمرور الأربعین ونحوه.»<sup>۳۶</sup> ترجمه: «از بدعت‌ها، جمع کردن مردم برای صرف غذا به مناسبت‌هایی چون چهلم است؛ اما در صورتی که مهمانانی از راه دور به خانه متوفی بیایند و نیاز به پذیرایی باشد، این کار رخصت است. بهوتی

<sup>۳۰</sup> ابن همام، فتح القدير، ۱۴۲/۲؛ ابن رشد، التحصيل والبيان، ۲۲۷/۲؛ قرافی، الذخيرة، ۴۸۱/۲؛ مواق، التاج والإكليل، ۳۷/۳؛ ابن حاج، المدخل، ۲۷۵/۳؛ شیرازی، المذهب في فقه الإمام الشافعي، ۲۵۹/۱؛ عمرانی، البيان في مذهب الإمام الشافعي، ۱۲۶/۳؛ ابن قدامه، الكافي في فقه الإمام أحمد، ۳۷۶/۱.

<sup>۳۱</sup> ابن قدامه، المغنی، ۴۹۷/۳.

<sup>۳۲</sup> سید سابق (ت: ۱۴۲۰هـ)، فقه السنة (بیروت: دار الكتاب العربي، چاپ سوم ۱۳۹۷هـ.ق)، ۵۰۸/۱.

<sup>۳۳</sup> ابن همام، فتح القدير، ۱۴۲/۲.

<sup>۳۴</sup> ابن قدامه، المغنی، ۴۱۰/۲.

<sup>۳۵</sup> ابن عابدین، رد المحتار، ۲۴۰/۲.

<sup>۳۶</sup> علی الشربجي مصطفى البغا، الفقه المنهجي علی مذهب الإمام الشافعي (دمشق: دار القلم، چاپ چهارم، ۱۴۱۳هـ.ق)، ۲۶۳/۱.

رحمه الله در این باره به نقل از ابن قدامه رحمه الله می‌گوید: «إلا من حاجة تدعو إلى فعلهم الطعام للناس كأن يجيئهم من يحضر منهم من أهل القرى البعيدة ويبيت عندهم، فلا يمكنهم إلا أن يطعموه».<sup>۳۷</sup> مگر در صورت نیاز، مانند آمدن افرادی از روستاهای دور که شب را در خانه خانواده میت بگذرانند و پذیرایی از آن‌ها لازم باشد. ولی اگر هزینه غذا از مال ورثه محجور (یتیم یا نابالغ) تأمین شود، این عمل حرام است. در الفقه المنهجي آمده است: «وإذا كانت نفقة هذه الأطعمة من مال الورثة وفيهم قاصرون - أي غير بالغين - كان هذا الفعل من أشد المحرمات».<sup>۳۸</sup> اگر هزینه این غذاها از مال ورثه و در میان آن‌ها فرد نابالغ باشد، این عمل از گناهان بزرگ است؛ همچنین خوردن از چنین غذاهایی مکروه است، علامه بهوتی رحمه الله در «کشاف القناع» می‌گوید: «ویکره الأكل من طعامهم، وإن كان من التركة وفي الورثة محجور عليه أو من لم يأذن حرم فعله، وحرم الأكل منه».<sup>۳۹</sup> خوردن از غذای تهیه شده توسط خانواده میت مکروه است، و اگر از ارثیه باشد و ورثه محجور یا بدون اجازه باشند، تهیه و خوردن آن حرام است.

#### ۴. دلایل دیدگاه دوم

در سنن ابن ماجه آمده است که جریر بن عبدالله رضی الله عنه روایت می‌کند: «كُنَّا نَرَى الْإِجْتِمَاعَ إِلَى أَهْلِ الْأُمَيَّةِ وَصَنَعَةَ الطَّعَامِ مِنَ النَّيَّاحَةِ»<sup>۴۰</sup> ترجمه: «ما (اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم) گرد آمدن نزد خانواده متوفی و تهیهی غذا از سوی آنان را از مظاهر نوحه‌گری می‌دانستیم».

عبارت «كُنَّا نَرَى» این تعبیر در حکم نقل اجماع صحابه رضی الله عنهم است، یا دست کم به منزله تقریر پیامبر صلی الله علیه وسلم محسوب می‌شود. و بر هر دو فرض، این عبارت دارای حکم مرفوع بودن (یعنی نسبت دادن ضمنی حکم به پیامبر صلی الله علیه وسلم) است<sup>۴۱</sup>؛ بنابراین، این روایت حجّت شرعی محسوب می‌شود.

خلاصه‌ی مطلب آنکه: این عمل بر خلاف سنت و قاعده‌ی شرعی است؛ زیرا آنچه در سنت وارد شده، این است که مردم برای خانواده‌ی متوفی غذا فراهم کنند، نه آن که اهل میت برای مردم غذا تهیه نمایند. پس گردآمدن مردم در خانه بازماندگان به گونه‌ای که آنان را وادار به طبخ و پذیرایی کند، در حقیقت عمل عکس سنت است. بسیاری از فقهاء نیز تصریح کرده‌اند که ضیافت

<sup>۳۷</sup> منصور بن یونس بهوتی، کشف القناع عن متن الإقناع (ریاض: مكتبة النصر الحديثية، بی‌ط، بی‌تا) ۱۴۹/۲.

<sup>۳۸</sup> مصطفى البغا، الفقه المنهجي على مذهب الإمام الشافعي، ۲۶۳/۱.

<sup>۳۹</sup> بهوتی، کشف القناع عن متن الإقناع، ۱۴۹/۲.

<sup>۴۰</sup> ابن حنبل، مسند أحمد، ۵۰۵/۱۱ (۶۹۰۵).

<sup>۴۱</sup> محمد عبد الهادی سندی، حاشیة السندی علی سنن ابن ماجه (بیروت: دار الجیل، چاپ دوم، بی‌تا)، ۴۹۰/۱.

از سوی اهل میت، خلاف عقل و حکمت تشریح ضیافت است؛ زیرا ضیافت، در اصل برای ابراز شادی و سرور وضع شده، نه برای زمان حزن و اندوه.<sup>۴۲</sup>

این حدیث، به روشنی دلالت دارد که در میان صحابه، فراهم کردن غذا از سوی بازماندگان برای دیگران، عملی ناپسند و مشابه نوحه‌گری (نیاچه) تلقی می‌شده است. نکته‌ی اساسی در تعبیر جریر رضی‌الله‌عنه آن است که این رفتار نه صرفاً عملی مباح، بلکه نشانه‌ای از سنت‌های جاهلی پیش از اسلام دانسته شده است؛ چراکه در فرهنگ جاهلی، خانواده‌ی متوفی برای اظهار اندوه و جلب ترحم دیگران، به اطعام عمومی دست می‌زدند.

علامه شوکانی رحمه‌الله در «نیل الأوطار» در شرح این حدیث می‌گوید: «یعنی آنها کاناوا یعدون الاجتماع عند أهل الميت بعد دفنه، وأكل الطعام عندهم نوعاً من النياحة لما في ذلك من التثقیل علیهم وشغلهم مع ما هم فيه من شغلة الخاطر بموت الميت وما فيه من مخالفة السنة، لأنهم مأمورون بأن یصنعوا لأهل الميت طعاماً فخالفوا ذلك وكلفوهم صنعة الطعام لغيرهم.»<sup>۴۳</sup> ترجمه: «آنان (صحابه) گردآمدن نزد خانواده‌ی متوفی پس از دفن او و خوردن غذا در خانه‌ی ایشان را نوعی از نوحه‌گری (نیاچه) می‌دانستند؛ زیرا این کار، مایه‌ی زحمت و سنگینی بر بازماندگان است و آنان را در حالی که گرفتار اندوه و پریشانی خاطر ناشی از مرگ عزیزشان هستند، به اشتغال و تکلف بی‌مورد وادار می‌کند. افزون بر این، چنین رفتاری مخالف با سنت نبوی است؛ چراکه طبق سنت، مردم مأمورند برای خانواده‌ی داغ‌دیده غذا تهیه کنند تا از زحمت پخت‌وپز در ایام اندوه آسوده باشند؛ اما آنان بر خلاف این دستور عمل کرده و خانواده‌ی متوفی را مکلف ساخته‌اند برای دیگران غذا آماده کنند.»

بنابراین، شوکانی رحمه‌الله بر جنبه حکمت و مصلحت اجتماعی حکم تأکید می‌کند؛ یعنی نهی شارع نه صرفاً از باب تشبیه به اهل جاهلیت، بلکه به دلیل تحمیل زحمت و رنج بر خانواده داغ‌دیده است. در واقع، اطعام در چنین شرایطی به جای آنکه تسلی باشد، سبب فشار مضاعف بر آنان می‌شود و روح شریعت که مبتنی بر رأفت و تخفیف در مصیبت است، با چنین رفتاری ناسازگار است.

در مصنف ابن ابی شیبیه نیز گفت‌وگویی میان عمر بن الخطاب و جریر بن عبدالله رضی‌الله‌عنهما نقل شده است که عمق این نگرش را نشان می‌دهد. عمر رضی‌الله‌عنه می‌پرسد: «أیجتمع النساء في بیوتکم علی الميت ویصنعن طعاماً؟» آیا زنان در خانه‌های شما برای مردگان

<sup>۴۲</sup> سندی، حاشیه السندی علی سنن ابن ماجه، ۴۹۰/۱.

<sup>۴۳</sup> شوکانی، نیل الأوطار، ۱۱۸/۴.

گرد هم می آیند و غذا تهیه می کنند؟» جریر رضی الله عنه پاسخ می دهد: «نعم.» (بله) عمر رضی الله عنه فرمود: «ذلك من النياحة.» «این کار از مظاهر نوحه‌گری است.»<sup>۴۴</sup>

این نقل تاریخی نشان می دهد که حتی در زمان خلافت عمر رضی الله عنه، چنین رفتارهایی به عنوان بازگشت به رسوم جاهلیت شناخته می شده است. تعبیر «ذلك من النياحة» صریح در نکوهش است و از دیدگاه عمر رضی الله عنه، این رفتار از جنس نوحه‌گری و ابراز اندوه‌های غیرشرعی به شمار می رفته است.

ابن قدامه حنبلی رحمه الله نیز در «المعنی» با تبعیت از این آثار و سیره سلف، حکم فقهی را به صورت صریح چنین بیان می کند: «فأما صنع أهل الميت طعاما للناس، فمكروه؛ لأن فيه زيادة على مصيبتهم، وشغلا لهم إلى شغلهم، وتشبها بصنيع أهل الجاهلية.»<sup>۴۵</sup> ترجمه: «تهیه غذا توسط اهل میت برای مردم مکروه است؛ زیرا این عمل به مصیبت آن‌ها می افزاید و آن‌ها را مشغول می کند و شبیه به عمل اهل جاهلیت است.»

از کلام ابن قدامه رحمه الله چنین بر می آید که علت اصلی کراهت، سه وجه دارد:

۱. افزایش مشقت بر بازماندگان (منافی با مقصود شریعت در تخفیف مصیبت)؛
  ۲. ایجاد اشتغال غیر لازم در ایام حزن (که مانع صبر و تسلیم می شود)؛
  ۳. تشبیه به رسوم جاهلی که در آن، اطعام وسیله‌ای برای تفاخر و نمایش اندوه بود.
- از مجموع این ادله و اقوال، به روشنی برمی آید که حکم کراهت اطعام از سوی اهل میت نه تنها بر پایه روایات متعدد و عمل صحابه استوار است؛ بلکه از منظر مصالح شرعی نیز منطقی و موجه است.

تبیین مراد فقهاء از واژه «مکروه» در حکم اطعام اهل میت؛ فقهای بزرگ اسلامی، از جمله علمای مکتب حنفی، هنگام به کار بردن واژه «مکروه» در آثار فقهی خود، معمولاً مرادشان کراهت تحریمی است، نه صرف ناپسندی خفیف. چنان که علامه ابن نجیم رحمه الله در کتاب «البحر الرائق» تصریح می کند: «هرگاه در کلام فقهاء واژه "مکروه" به صورت مطلق ذکر شود، مقصود از آن "مکروه تحریمی" است، مگر آنکه به طور صریح و مشخص به "کراهت تنزیهی" اشاره شود».<sup>۴۶</sup> این نکته اصولی، با گفتار امام ابویوسف رحمه الله از شاگردان برجسته امام ابوحنیفه رحمه الله نیز تأیید می شود؛ چنان که نقل کرده است: «از امام ابوحنیفه پرسیدم: اگر بگویی "من فلان کار را

<sup>۴۴</sup> ابوبکر عبد الله بن محمد ابن ابی شیبیه، المصنّف (ریاض: دار کنوز، چاپ اول، ۱۴۳۶ هـ.ق)، ۱۵/۷، حکیمی، العتیق مصنف، ۳۲۹/۱.

<sup>۴۵</sup> ابن قدامه، المعنی، ۴۹۷/۳؛ عبد الله بن احمد ابن قدامه، الکافی فی فقه الإمام أحمد (بی جا: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق)، ۳۷۶/۱.

<sup>۴۶</sup> ابن نجیم، البحر الرائق، ۱۳۷/۱.

مکروه می‌دانم"، منظورت چیست؟ فرمود: مقصودم این است که آن عمل حرام است.<sup>۴۷</sup> بنابراین، در اصطلاح فقهای حنفی، واژه «مکروه» غالباً به معنای تحریم و منع قطعی به کار می‌رود، مگر آنکه به صورت واضح بیان شود که مراد «کراهت تنزیهی» (یعنی ترک آن بهتر است ولی انجامش گناه ندارد) است.

بر این اساس، هنگامی که فقهاء درباره تهیه غذا از سوی خانواده متوفی می‌گویند که «این عمل مکروه است»، مقصود آنان در واقع کراهت تحریمی است؛ یعنی این کار در حکم شرع منع شده و ناپسند شدید است، زیرا با روح سنت و سیره سلف صالح منافات دارد و به نوعی تشبیه به رسوم جاهلیت محسوب می‌شود.

از این رو، رعایت آداب شرعی در این زمینه و اجتناب از کارهای مکروه تحریمی، به ویژه آنچه در زمان اندوه و مصیبت موجب ریا، زحمت یا بدعت شود، از اصول مهم و مورد تأکید در دین اسلام است.

#### ۵. طعام مروج؛ صدقه یا ضیافت

برخی معتقدند طعامی که خانواده متوفی برای مردم تهیه می‌کنند، نوعی صدقه است و نه ضیافت، و آنچه در شرع ممنوع است تنها ضیافت و مهمانی از طرف خانواده متوفی است نه صدقه، در پاسخ باید گفت که عبارات فقهای کرام نشان می‌دهد که کراهت تهیه طعام توسط اهل میت، نه تنها محدود به قصد ضیافت و مهمانی نیست؛ بلکه خود عمل تهیه طعام و اجتماع مردم بر آن مکروه است. فقهاء کراهت این عمل را از حدیث جریر بن عبدالله رضی الله عنه استنباط کرده‌اند، که در آن لفظ «اتخاذ الطعام وصنعة الطعام» به کار رفته است، یعنی درست کردن و گرفتن طعام، و ذکر لفظ «ضیافت» نشده است.

همچنین در شرح «کنز الدقائق» بدون لفظ ضیافت آمده است: «ولا بأس للجلوس لها إلى ثلاثة أيام من غير ارتكاب محظور من فرش البسط والأطعمة من اهل الميت»<sup>۴۸</sup> ترجمه: «نشستن جهت تعزیت تا سه روز بلامانع است، به شرطی که ارتکاب محظورات از قبیل پهن کردن فرش‌ها یا تهیه طعام توسط خانواده میت صورت نگیرد». همچنین در حاشیه ابن عابدین شامی به نقل از فتاویٰ بزازیة آمده است: «وَيَكْرَهُ اتِّخَاذُ الطَّعَامِ فِي الْيَوْمِ الْأَوَّلِ وَالثَّالِثِ...»<sup>۴۹</sup> ترجمه: «تهیه طعام توسط خانواده متوفی در روز اول تا سوم مکروه است...» که به غیر قید لفظ ضیافت است. و نیز ابن صباغ رحمه الله در این مورد می‌گوید: «أَمَّا إِصْلَاحُ أَهْلِ الْمَيِّتِ طَعَامًا وَجَمْعُ النَّاسِ عَلَيْهِ فَبِدْعَةٌ غَيْرٌ»

<sup>۴۷</sup> ابن عابدین، رد المحتار، ۲۳۷/۵.

<sup>۴۸</sup> ابن نجیم، البحر الرائق، ۲۰۷/۲.

<sup>۴۹</sup> ابن عابدین، رد المحتار، ۲۴۰/۲.

مُسْتَحَبَّةٌ». <sup>۵۰</sup> ترجمه: «هرگونه تهیه طعام و اجتماع مردم بر آن، بدعت بوده مستحب نیست.» که به ضیافت اشاره نشده است. همچنین در «فتاوی هندیه» آمده است: «رَجُلٌ أَوْصَى بِأَنْ يَتَّخَذَ الطَّعَامَ بَعْدَ مَوْتِهِ لِلنَّاسِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ قَالُوا الْوَصِيَّةُ بَاطِلَةٌ». <sup>۵۱</sup> ترجمه: «مردی وصیت نمود که پس از مرگش تا سه روز طعام تهیه شود؛ فقهاء این وصیت را باطل دانسته‌اند.» در «المغنی» از ابن قدامه حنبلی رحمه الله آمده است: «فأما صنع أهل الميت طعاما للناس، فمكروه؛ لأن فيه زيادة على مصيبتهم، وشغلا لهم إلى شغلهم، وتشبها بصنع أهل الجاهلية.» <sup>۵۲</sup> مجله «بحوث اسلامی» جمع بندی کرده است: «واتفق الأئمة الأربعة على كراهة صنع أهل الميت طعاما للناس يجتمعون عليه.» <sup>۵۳</sup> ترجمه: «امامان چهارگانه اهل سنت بر مکروه بودن تهیه طعام توسط خانواده متوفی برای مردم، که جهت تعزیت جمع شده‌اند، اتفاق نظر دارند.» و همچنین به این لفظ آمده است: «أما صنع أهل الميت طعاما للناس واتخاذها ذلك عادة لهم فغير معروف فيما نعلم عن النبي صلى الله عليه وسلم، ولا عن خلفائه الراشدين، بل هو بدعة، فينبغي تركها، لما فيها من شغل أهل الميت إلى شغلهم، ولما فيها من التشبه بصنع أهل الجاهلية، والإعراض عن سنة رسول الله صلى الله عليه وسلم وخلفائه الراشدين رضي الله عنهم» <sup>۵۴</sup> ترجمه: «اما اینکه خانواده متوفی برای مردم غذا تهیه کنند و آن را به صورت یک عادت در آورند، تا آنجا که ما می دانیم، نه از پیامبر صلی الله علیه وسلم و نه از خلفای راشدین چنین چیزی نقل نشده است؛ بلکه این کار بدعت است و شایسته است که ترک شود، زیرا موجب مشغول شدن خانواده متوفی به کاری غیر از امور خودشان می شود، و نیز شباهت به رفتار اهل جاهلیت دارد و روی گردانی از سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین رضی الله عنهم به شمار می آید.» همچنین آمده است: «وليس لأهل الميت أن يقيموا احتفالا ولا يذبحوا ذبائح ويصنعوا طعاما للناس، كل هذا من البدع ومن أعمال الجاهلية، فالواجب تركه.» <sup>۵۵</sup> ترجمه: «و سزاوار نیست که خانواده متوفی مراسمی برگزار کنند یا قربانی هایی انجام دهند و برای

<sup>۵۰</sup> یحیی بن ابی الخیر عمرانی، البیان فی مذهب الإمام الشافعی (جدة: دار المنهاج، چاپ اول ۱۴۲۱ هـ.ق.)، ۱۲۶/۳؛ أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف نووی، روضة الطالبین (بیروت: المكتب الإسلامي، چاپ سوم ۱۴۱۲ هـ.ق.)، ۱۴۵/۲؛ نووی، المجموع شرح المذهب (قاهره: مطبعة التضامن الأخوي، ۱۳۴۴-۱۳۴۷ هـ.ق.)، ۳۲۰/۵؛ ابن الحاج، المدخل، ۲۷۵/۳؛ عمر بن علی ابن ملقن، عجاله المحتاج إلى توجيه المنهاج (اردن: دار الكتاب، ۱۴۲۱ هـ.ق.)، ۴۶۱/۱؛ کمال الدین محمد بن موسی دمیری، النجم الوهاج فی شرح المنهاج (جدة: دار المنهاج، چاپ اول ۱۴۲۵ هـ.ق.)، ۱۲۱/۳.

<sup>۵۱</sup> گروه از نویسندگان، الفتاوی الهندیه (مصر: المطبعة الكبرى الأميرية، چاپ دوم ۱۳۱۰ هـ.ق.)، ۹۵/۶.

<sup>۵۲</sup> ابن قدامه، المغنی، ۴۹۶/۳.

<sup>۵۳</sup> گروه از نویسندگان، مجلة البحوث الإسلامية، ۱۶۹/۷۵.

<sup>۵۴</sup> گروه از نویسندگان، مجلة البحوث الإسلامية، ۹۲/۳۱.

<sup>۵۵</sup> گروه از نویسندگان، مجلة البحوث الإسلامية، ۷۵/۷۷.

مردم غذا تهیه کنند؛ همه این امور از بدعت‌ها و از اعمال دوران جاهلیت است، و ترک آن واجب می‌باشد.»

بر این اساس، فقهاء واژه‌های ضیافت و اتخاذ الطعام را به‌طور مساوی به‌کار برده‌اند، چرا که در هر دو صورت، هزینه‌های اضافی، تشریفات غیرضروری و انتظارات اجتماعی نامناسبی به بازماندگان متوفی تحمیل می‌شود. بنابراین، حتی اگر نیت صدقه در میان باشد، به دلیل شباهت به ضیافت و ایجاد زحمت برای خانواده متوفی، این عمل شرعاً مکروه و ناپسند است. سنت صحیح آن است که دیگران برای تسلی خاطر بازماندگان، طعام تهیه کنند.

## ۶. حرمت تهیه غذا از سوی خانواده متوفی

گروهی از علماء بر این باورند که تهیه غذا از سوی خانواده متوفی برای دیگران حرام است. این دیدگاه در میان فقهای مذهب حنبلی رواج دارد. امام احمد بن حنبل رحمه‌الله درباره این عمل می‌گوید: «این کار را نمی‌پسندم» به نقل از مروزی، از شاگردان نزدیک امام احمد رحمه‌الله، ایشان این عمل را از اعمال جاهلیت دانسته و به شدت از آن نهی کرده است. چنان‌که برهان‌الدین ابن مفلح در «کتاب المبدع فی شرح المقنع» آورده است: «وقیل: یحرم. قال أحمد: ما یعجبني، ونقل المروزي: هو من أفعال الجاهلیة، وأنکره شدیداً».<sup>۵۶</sup> ترجمه: «گفته شده: این کار حرام است. امام احمد رحمه‌الله فرمود: این عمل را نمی‌پسندم. مروزی نقل کرده که این کار از رسوم جاهلیت است و امام احمد به شدت آن را انکار کرده است.» بر اساس این نقل، امام احمد بن حنبل رحمه‌الله و پیروان او بر این باورند که تهیه غذا توسط خانواده متوفی برای مردم، عملی ناپسند و در برخی موارد حرام است.

دلیل این حکم را می‌توان در سه محور اصلی خلاصه کرد:

۱. شباهت به رسوم جاهلیت: در دوران پیش از اسلام، خانواده متوفی برای نمایش جایگاه اجتماعی یا سخاوت خود، غذایی برای مردم فراهم می‌کردند. اسلام با این رسم مخالفت کرده و آن را رفتاری غیر اسلامی دانسته است.

۲. افزایش فشار و رنج خانواده داغدار: در حالی که خانواده متوفی خود در اندوه و گرفتاری هستند، مکلف کردن آنان به تهیه غذا، باری مضاعف بر دوششان می‌گذارد.

۳. انحراف از فلسفه حقیقی عزاداری: هدف اصلی سوگواری در اسلام، همدردی و یاری رساندن به خانواده داغدار است، نه تحمیل هزینه و تکلیف اضافی بر آنان.

بر همین اساس، امام احمد<sup>+</sup> تأکید دارد که این عمل نه تنها پسندیده نیست؛ بلکه باید از آن به شدت پرهیز شود تا روح همدلی و سادگی که در سنت اسلامی عزاداری نهفته است، حفظ گردد.

<sup>۵۶</sup> محمد بن مفلح مرداوی، الفروع و تصحیح الفروع (بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۴هـ.ق)، ۴۰۸/۳.

همچنین، کمیته دائمی فتوای عربستان سعودی در همین راستا فتوا داده است که: «ولأن صناعة الطعام من أهل الميت للناس من عمل الجاهلية فلا يجوز فعله».<sup>۵۷</sup> ترجمه: «تهیه غذا از سوی خانواده متوفی برای مردم از رسوم جاهلیت است و انجام آن جایز نیست».

افزون بر این، سید سابق در کتاب «فقه السنه» می نویسد: «اُثمه بر ناپسند بودن تهیه غذا از سوی خانواده متوفی برای دیگران اتفاق نظر دارند؛ زیرا این کار: رنج خانواده داغدار را افزایش می دهد؛ آنان را بیش از پیش گرفتار می سازد؛ و شباهت به رفتار جاهلی دارد. بر اساس حدیث جریر رضی الله عنه: «ما جمع شدن نزد خانواده متوفی و تهیه غذا پس از دفن را از مصادیق نوحه گری می دانستیم». برخی از علماء نیز پا را فراتر نهاده و حکم به حرمت آن داده اند.<sup>۵۸</sup>

## ۷. دیدگاه راجح و ادله ترجیح

پس از بررسی اقوال و دلایل فقهاء، قول راجح آن است که تهیه غذا و ضیافت از سوی خانواده متوفی برای مردم، مکروه است مگر در صورت ضرورت؛ زیرا ادله شرعی و اجماع فقهاء بر نکوهش این عمل دلالت دارد، و اصل ضیافت برای شادی و سرور تشریح شده، نه برای ایام حزن و مصیبت. همچنین، امور مکروه، حریمی برای حرام هستند؛ سهل انگاری در آنها ممکن است به محرمات بینجامد. در برخی شرایط خاص این عمل حرام می شود، از جمله: اگر نیت آن اعتراض به قضاء و قدر الهی، فخر یا خودنمایی باشد؛ اگر هزینه از مال متوفی بدون رضایت ورثه پرداخت شود؛ یا میان ورثه افراد صغیر باشند.<sup>۵۹</sup>

مبنای اصلی این دیدگاه، حدیث صحیح جریر بن عبدالله رضی الله عنه است که می فرماید: «كُنَّا نَرَى الْاجْتِمَاعَ إِلَى أَهْلِ الْمَيِّتِ وَصِنْعَةَ الطَّعَامِ مِنَ النَّيَّاحَةِ».<sup>۶۰</sup> ترجمه: «ما (اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم) گرد آمدن نزد خانواده متوفی و تهیه غذا از سوی آنان را از مظاهر نوحه گری می دانستیم». عبارت «كُنَّا نَرَى» در اصطلاح محدثان، به منزله تقریر پیامبر است و دلالت بر تأیید نبوی دارد. بنابراین، حدیث به صراحت نهی از این عمل را دربردارد و در حکم نص شرعی محسوب می شود. این روایت، علاوه بر دلالت نصی، نشان دهنده اجماع عملی صحابه بر نکوهش این رفتار است. هیچ یک از خلفای راشدین و تابعین، برگزارای ضیافت از سوی اهل میت را نپذیرفته و برعکس، همواره توصیه کرده اند که همسایگان برای بازماندگان غذا فراهم کنند، چنان که

<sup>۵۷</sup> گروه از نویسندگان، فتاوی اللجنة الدائمة (ریاض: رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء، بی ط، بی تا)، ۱۳۶/۹.

<sup>۵۸</sup> سید سابق، فقه السنه، ۵۰/۱.

<sup>۵۹</sup> ابن عابدین، رد المحتار، ۲۴۰/۲؛ بهوتی، کشف القناع، ۱۴۹/۲.

<sup>۶۰</sup> احمد بن حنبل، مسند أحمد، ۵۰۵/۱۱ (۶۹۰۵).

در حدیث نبوی آمده است: «اصْنَعُوا لِآلِ جَعْفَرٍ طَعَامًا فَإِنَّهُ قَدْ أَتَاهُمْ أَمْرٌ سَعَلَهُمْ».<sup>۶۱</sup> ترجمه: «برای آل جعفر غذا آماده کنید که آنان را اندوهی فراگرفته است». این حدیث، اصل مشروعیت اطعام را تثبیت می‌کند اما فاعل آن را دیگران می‌داند، نه خانواده متوفی.

همچنین از منظر «مقاصد شریعت»، هدف شارع در ایام مصیبت، تخفیف رنج و تسهیل حال بازماندگان است، نه تکلیف و تجمل. هر عملی که بر اندوه آنان بیفزاید یا بار مالی ایجاد کند، خلاف روح شریعت است. بنابراین، برگزاری اطعام‌های سنگین نه تنها فاقد ارزش عبادی است، بلکه موجب فشار مالی، ریا و تفاخر اجتماعی می‌شود.

فقه‌های حنفی، از جمله ابن‌همام و ابن‌عابدین، آن را بدعتی مستقبحه دانسته‌اند.<sup>۶۲</sup> فقه‌های مالکی و شافعی نیز اجتماع برای غذا در ایام عزاداری را خلاف سنت دانسته و بر استحباب اطعام از سوی همسایگان تأکید کرده‌اند.<sup>۶۳</sup> فقه‌های حنبلی، از جمله ابن‌قدامة و احمد بن حنبل رحمهم الله، آن را در مواردی حتی حرام دانسته‌اند و آن را از رسوم جاهلیت شمرده‌اند.<sup>۶۴</sup>

اما برخی فقهاء چون ابراهیم حلبی رحمه‌الله، به روایت عاصم بن کلیب رضی‌الله‌عنه استناد کرده و آن را دلیل جواز دانسته‌اند؛ اما بررسی دقیق نشان می‌دهد که در همه منابع معتبر لفظ «امرأة» آمده، نه «امراته»، بنابراین حدیث به دعوت زنی از قریش مربوط است نه همسر متوفی، و استناد به آن برای جواز اطعام اهل میت نادرست است.

بر اساس مجموع ادله نقلی، اجماع سلف و تحلیل مقاصدی، قول راجح آن است که: تهیه طعام از سوی خانواده متوفی برای دیگران، مکروه تحریمی است؛ اما اگر اطعام به قصد صدقه برای فقراء باشد، بدون تشریفات و از مال خود بازماندگان، جایز بلکه مستحب است.

در نتیجه، سنت صحیح اسلامی اقتضا دارد که دیگران برای خانواده داغ‌دیده غذا تهیه کنند، نه برعکس؛ زیرا این عمل همسو با روح تسلیت، تعاون اجتماعی و مقاصد رحمت‌محور شریعت است.

<sup>۶۱</sup> علی قاری، فتح باب العناية بشرح النقایة (بیروت: دار الأرقم، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۸هـ.ق)، ۴۵۹/۱.

<sup>۶۲</sup> ابن‌همام، فتح القدير، ۱۴۲/۲.

<sup>۶۳</sup> ابن‌رشد، التخصیص والبیان، ۲۲۷/۲؛ قرافی، الذخيرة، ۴۸۱/۲؛ مواق، التاج والإکلیل، ۳۷/۳؛ ابن‌حاج، المدخل، ۲۷۵/۳؛ شیرازی، المهذب فی فقه الإمام الشافعی، ۲۵۹/۱؛ عمرانی، البیان فی مذهب الإمام الشافعی، ۱۲۶/۳.

<sup>۶۴</sup> ابن‌قدامة، المغنی، ۴۹۷/۱؛ سید سابق، فقه السنة، ۵۰۸/۱.

### نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان داد که از منظر فقه حنفی، تهیه غذا توسط بازماندگان برای دیگران در ایام وفات، عملی مکروه تحریمی است، زیرا برخلاف سنت نبوی و اجماع سلف صالح بوده و با مقاصد شریعت، از جمله رفع حرج و حفظ مال، منافات دارد. سنت صحیح اسلامی اقتضا دارد که همسایگان و خویشاوندان برای اهل میت غذا فراهم کنند، نه آن‌که بازماندگان خود متکلف پذیرایی شوند.

از دیدگاه مقاصد شریعت، این حکم ناظر بر دو اصل اساسی است: دفع ضرر و رفع مشقت از خانواده داغدار و تقویت روح مواسات و تسلیت در جامعه. بدین ترتیب، شریعت اسلامی با منع این عمل، نه تنها در پی کاهش هزینه‌های غیرضروری و مظاهر ریا و تفاخر اجتماعی است، بلکه درصدد حفظ کرامت انسانی و اصالت معنوی مراسم عزاداری است.

در نتیجه، بازگشت به سنت نبوی و اجتناب از تکلفات و بدعت‌ها در ایام حزن، می‌تواند هم موجب صیانت از ارزش‌های دینی گردد و هم عامل تقویت پیوندهای اجتماعی و همدردی واقعی در میان مسلمانان شود.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن ابی شیبیه، ابوبکر عبد الله بن محمد. المصنّف. ریاض: دار کنوز، چاپ اول، ۱۴۳۶هـ.ق.
۲. ابن رشد، محمد بن احمد. التحصیل والبيان. بیروت: دار الغرب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۸هـ.ق.
۳. ابن عابدین، محمد امین بن عمر. رد المحتار. مصر: مكتبة مصطفى الحلبي، چاپ دوم، ۱۳۸۶هـ.ق.
۴. ابن قدامه، موفق الدین عبد الله بن احمد. الكافي في فقه الإمام أحمد. بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۴هـ.ق.
۵. ابن قدامه، موفق الدین، عبد الله بن احمد. المعنی. ریاض: دار عالم الکتب، چاپ سوم، ۱۴۱۷هـ.ق.
۶. ابن ماجه، محمد بن یزید. سنن ابن ماجه. بی جا: دار إحياء الکتب العربية، بی ط، بی تا.
۷. ابن ملقن، عمر بن علي، عجلالة المحتاج إلى توجيه المنهاج. اردن: دار الکتب، بی ط، ۱۴۲۱هـ.ق.
۸. ابن همام، کمال الدین محمد بن عبد الواحد. فتح القدير. مصر: مكتبة مصطفى حلبي، چاپ اول، ۱۳۸۹هـ.ق.
۹. ابو داود، سليمان بن اشعث. سنن أبي داود. محقق: شعيب ارنؤوط، بی جا: دار الرسالة العالمیة، چاپ دوم، ۱۴۳۰هـ.ق.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل. صحیح البخاری. دمشق: دار ابن کثیر، چاپ پنجم، ۱۴۱۴هـ.ق.
۱۱. بهوتی، منصور بن یونس. کشف القناع عن متن الإقناع. ریاض: مكتبة النصر الحديثة، بی ط، بی تا.
۱۲. بیهقی، أبو بکر بن حسین. دلائل النبوة. بی جا: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۰۸هـ.ق.
۱۳. بیهقی، أبو بکر احمد بن حسین. السنن الکبری. بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ سوم، ۱۴۲۴هـ.ق.
۱۴. ترمذی، محمد بن عیسی. الشمائل المحمدیة والخصائل المصطفویة. مکه المکرمة: المكتبة التجاریة، چاپ اول، ۱۴۱۳هـ.ق.
۱۵. خطیب تبریزی، محمد بن عبد الله. مشکاة المصابیح. بیروت: مكتبة اسلامی، چاپ سوم، ۱۹۸۵م.

۱۶. دار قطنی، علی بن عمر بن أحمد. سنن الدار قطنی. بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۴هـ.ق.
۱۷. دمیری، کمال الدین، محمد بن موسی. النجم الوهاج فی شرح المنهاج. جدة: دار المنهاج، چاپ اول ۱۴۲۵هـ.ق.
۱۸. سرخسی، محمد بن أحمد بن أبي سهل. المبسوط. مصر: المكتبة السعادة، بی ط، بی ت.
۱۹. سندي، محمد عبد الهادی. حاشية السندي على سنن ابن ماجه. بیروت: دار الجیل، چاپ دوم، بی تا.
۲۰. سهارنفوری، خلیل احمد. بدل المجهود فی حل سنن أبي داود. هند: مرکز شیخ ندوی، چاپ اول، ۱۴۲۷هـ.ق.
۲۱. سید سابق، (ت: ۱۴۲۰هـ). فقه السنة. بیروت: دار الكتاب العربي، چاپ سوم ۱۳۹۷هـ.ق.
۲۲. شرنبلالی، حسن بن عماره بن علی. مراقی الفلاح. بی جا: مکتبه عصری، چاپ اول، ۱۴۲۵هـ.ق.
۲۳. شوکانی، محمد بن علی. نیل الأوطار. مصر: دار الحديث، چاپ اول، ۱۴۱۳هـ.ق.
۲۴. شیانی، احمد بن محمد بن حنبل. مسند احمد. بی جا: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱هـ.ق.
۲۵. شیرازی، ابو اسحاق، ابراهیم بن علی بن یوسف. المهدب فی فقه الإمام الشافعی. بیروت: دار الکتب العلمیة، بی ط، بی تا.
۲۶. طحاوی، أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة مصری، حنفی. شرح معانی الآثار. بیروت: عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۴هـ.ق.
۲۷. طحطاوی، أحمد بن محمد بن إسماعیل. حاشية الطحطاوي على مراقی الفلاح. بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۸هـ.ق.
۲۸. عظیم آبادی، شرف الحق، محمد اشرف بن امیر بن علی بن حیدر. عون المعبود شرح سنن أبي داود. بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۱۵هـ.ق.
۲۹. عمرانی، یحیی بن أبی الخیر. بیان فی مذهب الإمام الشافعی. جدة: دار المنهاج، چاپ اول، ۱۴۲۱هـ.ق.
۳۰. قرافی، شهاب الدین، احمد بن ادريس. الذخيرة. بیروت: دار الغرب اسلامي، چاپ اول، ۱۹۹۴م.
۳۱. گروه از نویسندگان، الفتاوی الهندیة. مصر: المطبعة الكبرى الأمیریة، چاپ دوم ۱۳۱۰هـ.ق.
۳۲. گروه از نویسندگان، فتاوی اللجنة الدائمة. ریاض: رئاسة إدارة البحوث العلمیة والإفتاء، بی ط، بی تا.

۳۳. محمد بن یوسف مواق. التاج والإكليل. بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۶هـ.ق.
۳۴. ابن حاج، محمد بن محمد. المدخل. بيروت: دار التراث، بی ط، بی تا.
۳۵. مرداوی، محمد بن مفلح. الفروع و تصحيح الفروع. بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول ۱۴۲۴هـ.ق.
۳۶. مصطفى البغا، علی الشربجي. الفقه المنهجي علی مذهب الإمام الشافعي. دمشق: دار القلم، چاپ چهارم، ۱۴۱۳هـ.ق.
۳۷. نووی، أبو زكريا، محيي الدين يحيى بن شرف، روضة الطالبين. بيروت: المكتب الإسلامي، چاپ سوم ۱۴۱۲هـ.ق.
۳۸. هرووی، علی بن سلطان محمد. مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح. بيروت: دار الفكر، چاپ اول، ۱۴۲۲هـ.ق.
۳۹. هرووی، علی قاری، نور الدين، علی بن سلطان محمد هرووی. فتح باب العناية بشرح النقاية. بيروت: دار الأرقم، چاپ اول، ۱۴۱۸هـ.ق.